

# تحلیل هزینه‌های جرم

محمدعلی بابایی<sup>۱</sup>

استادیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی

اسماعیل انصاری<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۲/۲۸

تاریخ تأیید: ۹۰/۰۸/۰۷

دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی

## چکیده

یکی از ابعاد مهم سیاست‌گذاری جنایی برآورد هزینه‌های جرم است؛ زیرا وقوع جرم، هزینه‌های زیادی را به جامعه و شهروندان که ممکن است بزه‌دیده باشند، تحمیل می‌کند. مطالعه دقیق و علمی هزینه‌های جرم هم‌زمان با نظریه‌پردازی مکتب تحلیل اقتصادی حقوق در پیش‌بینی و کنترل جرم شروع شد. از دیدگاه این مکتب، هر اقدام عملی برای افزایش رفاه جامعه از طریق شناخت درست میزان هزینه‌های مربوط به فرایند کیفری امکان‌پذیر است.

اقتصاددانان هزینه‌های جرایم را به سه دسته تقسیم می‌کنند: هزینه‌های بزه‌دیدگان، هزینه‌های دستگاه عدالت کیفری و هزینه‌های بزه‌کاران. هزینه‌های بزه‌دیدگان شامل هزینه‌های مادی (از دست دادن توانایی کار، هزینه‌های پزشکی و ...) و هزینه‌های معنوی (درد و رنج و کیفیت از دست رفته زندگی و ...) می‌شود، اما دستگاه عدالت کیفری در هر جامعه با توجه به سیاستی که اتخاذ می‌کند، هزینه‌های متفاوتی را به جامعه تحمیل می‌نماید. بزه‌کاران نیز در نتیجه ارتکاب جرم، برای فرار از عدالت کیفری و عدم کشف جرم، هزینه‌هایی را تحمل و در عین حال به سود و لذت دست پیدا می‌کنند.

برآورد صحیح هزینه‌های جرائم باعث می‌شود که اولاً، اهمیت موضوع پدیده مجرمانه در جامعه نسبت به سایر اولویت‌ها تعیین شود. ثانیاً سیاست‌گذارانی که با کمبود منابع مواجه هستند، بهترین و کارآمدترین سیاست را در قبال این پدیده انتخاب نمایند و در نهایت امکان استفاده از تحلیل‌های هزینه - فایده برای متولیان امر سیاست‌گذاری فراهم کنند. متأسفانه در پژوهش‌هایی که در ایران انجام می‌شود به این ارزیابی‌ها به طور بایسته توجه نمی‌شود. این بی‌توجهی عمدتاً ریشه در عدم شناسایی صحیح هزینه‌های ناشی از جرم دارد. این مقاله سعی دارد با تبیین اهمیت ارزیابی انواع هزینه‌های جرم، زمینه نهادینه شدن این فرآیند در حقوق ایران را فراهم نماید.

واژگان کلیدی: هزینه‌های جرم، هزینه‌های بزه‌دیدگان، هزینه‌های بزه‌کاران، نظریه اقتصادی جرم

## مقدمه

ارزیابی هزینه‌های جرم و تلاش برای کاهش این هزینه‌ها سابقه تاریخی طولانی دارد. برای نخستین بار در سال ۱۹۲۹م کمیسیون ویکرشوم<sup>۳</sup> در آمریکا این نوع ارزیابی را انجام داد (Detotto). (Vannini, 2010: 4) یافته‌های این کمیسیون، کم‌توجهی سیاست‌گذاران به مسئله هزینه‌ها و عدم شناخت کافی نسبت به آن‌ها را نشان می‌داد. به تدریج، اهمیت ارزیابی هزینه‌های جرم به عنوان

1. Email: M.Babaeiali@gmail.com

2. Email: ansarismail245@gmail.com

3. Wickershom Commission

جرم به عنوان یکی از عوامل مؤثر در سیاست کیفری آشکار شد و برخی از محققان درصدد ارزیابی این هزینه‌ها برآمدند. با این حال، ارزیابی‌های اولیه بیشتر بر اطلاعات حاصله از بزهدیدگان، دستگاه عدالت کیفری و بخش‌های خصوصی تمرکز داشت.

ارزیابی هزینه‌های جرم، زمانی جایگاه واقعی خود را در سیاست جنایی کشورها پیدا کرد که سیاست‌گذاران به اهمیت این ارزیابی در نظام عدالت کیفری واقف شدند و به دنبال آن، هزینه‌های پیشگیری از جرائم را به کمک روش‌های اقتصادی مطرح کردند. زیرا ارزش واقعی برنامه‌های پیشگیری و ابزارهای آن پس از ارزیابی هزینه‌های ناشی از جرم مشخص می‌شود. به طوری که در حال حاضر تمامی اندیشمندیانی که درباره تحلیل اقتصادی حقوق کیفری تحقیق کرده‌اند، اهمیت موضوع هزینه‌های جرائم و لزوم ارزیابی آن‌ها را تأیید می‌کنند. ارزیابی هزینه‌ها و منافع راهکارهای آن، به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا با آگاهی لازم و کافی راه‌حلی را انتخاب کنند که سطح رفاه اجتماعی را از نظر اقتصادی افزایش دهد.

از نظر اقتصاددانان، جرم عملی غیراخلاقی است که سبب ورود زیان به جامعه می‌شود (Cohen, 2005: 17). بنابراین، جامعه باید منابعی را برای دستگیری، مجازات و پیشگیری از جرائم اختصاص دهد. هدف حقوق کیفری نیز آن است که هزینه بخش‌های مختلف نظام عدالت کیفری از جمله تدابیر مربوط به پیشگیری، بازداشت و اجرای مجازات‌ها را به نحو بهینه ترکیب کند. زیرا واقعیت این است که ریشه‌کنی جرم در جوامع انسانی امکان‌پذیر نیست. در نتیجه اولویت اصلی باید کنترل و کاهش میزان جرائم در جامعه باشد.

برخی از اقتصاددانان ارزیابی هزینه‌های جرائم را مغایر ارزش‌های انسانی می‌دانند. این گروه از اقتصاددانان معتقدند که نمی‌توان ارزش‌های اخلاقی را به مثابه کالایی دانست که در بازار قابل خرید و فروش یا قیمت‌گذاری است. زیرا نمی‌توان میزان درد و رنج واقعی وارده به بزهدیده یا از دست رفتن کیفیت زندگی سابق او را با کالاهای مادی مقایسه و آن‌ها را قیمت‌گذاری کرد (Ibid.3). همچنین برخی بر این باورند که ورود تحلیل اقتصادی به حوزه‌های حقوق از طریق ارزیابی هزینه‌ها، درصدد است که به هدف کارایی اقتصادی دست یابد و این امر موجب می‌شود تا اهداف متعالی حقوق از جمله انصاف و عدالت مغفول واقع شود (Cohen, 2000: 280).

ارزیابی صحیح هزینه‌های جرم مستلزم شناخت ماهیت هزینه‌ها و معیارهای ارزیابی آن از سوی اقتصاددانان و حقوق‌دانان است. از آنجا که برخی از معیارهای ارزیابی کامل و برخی ناقص‌اند، شناخت انواع هزینه‌ها و معیارها به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا در موقعیت‌های مختلف بهترین روش و معیار را برای ارزیابی هزینه‌ها و منافع برنامه‌ها انتخاب کنند. بدین ترتیب

نظام عدالت کیفری در صورتی کارآمد است که هزینه‌های جرائم را ارزیابی کرده و منابع را با توجه به این ارزیابی برای اجرای برنامه‌های مختلف توزیع کند. در بخش نخست این مقاله، مبانی نظری هزینه‌های جرم از دیدگاه تحلیل اقتصادی و دلایل ارزیابی و نظریه هزینه‌های جرم تبیین می‌شود. سپس در بخش دوم انواع هزینه‌ها و دسته‌بندی آن‌ها مطرح شده و در بخش سوم نیز نحوه توزیع هزینه‌ها بررسی خواهد شد.

## ۱- تبیین نظری

### ۱-۱- تحلیل اقتصادی حقوق کیفری

علم اقتصاد به مطالعه نحوه تخصیص منابع محدود، در بخش‌های مختلف جامعه می‌پردازد و ارزش کالا، خدمات و میزان تقاضا و عرضه را تعیین می‌کند. در بعضی مواقع، کالاها و خدماتی مورد عرضه و تقاضا واقع می‌شوند که فرض بازارهای واقعی در مورد آن‌ها دشوار است. آلودگی هوا و جرائم، ازدواج و طلاق و غیره از جمله مواردی هستند که اگر چه نمی‌توان بازار واقعی برای آن‌ها تصور نمود، ولی می‌توان با مدل‌های اقتصادی آن‌ها را تجزیه و تحلیل کرد. از دیدگاه اقتصادی، قواعد عرضه و تقاضا در مورد این فعالیت‌ها نیز کاربرد دارد و در چارچوب ضوابط بازار قابل ارزیابی است.

ریشه‌های این نوع نگرش اقتصادی به پدیده مجرمانه را در آثار اندیشمندانی مانند بنتام و بکاریا در قرن ۱۸ میلادی می‌توان یافت (McCarthy & Cohen, 2003: 583) به نظر این اندیشمندان، بزه‌کاران میزان سود و زیان رفتارهای بزه‌کارانه را می‌سنجند و در صورتی که میزان سود مجرمانه بیشتر از هزینه‌ها باشد، مرتکب جرم می‌شوند. اما نگرش اقتصادی نوین به پدیده مجرمانه در سال ۱۹۶۸ میلادی با مقاله گری بکر تحت عنوان «جرائم و مجازات‌ها با نگرش اقتصادی» مطرح شد. بکر از جمله نخستین اقتصاددانانی است که ابزارهای اقتصادی را به طور رسمی برای تحلیل رفتارهای بزه‌کارانه وارد حقوق کیفری کرد. در این نوع نگرش، رفتارهای بزه‌کارانه در چارچوب مدل بازار و با استفاده از ابزارهای اقتصادی تجزیه و تحلیل می‌شوند (Becker, 1968: 170-172). در جرائمی مانند قتل، سرقت و رفتارهای خشونت‌آمیز، هر چند تصور فروش حق قربانی شدن از سوی بزه‌دیدگان بالقوه و خرید آن از سوی بزه‌کاران دشوار است، اما برخی از نظریه پردازان اقتصادی معتقدند که افراد خواه یا ناخواه در یک مدل اجتماعی بازار، در حال زندگی‌اند که نحوه رفتار و تعاملشان با دیگران، آن‌ها را گاهی در موضع عرضه‌کننده و گاهی در مقام تقاضاکننده قرار می‌دهد (اسلیتر و تونکیس، ۱۳۸۶: ۲۱).

در نگرش اقتصادی، جرم شناختن اعمال باید به گونه‌ای باشد که از لحاظ اقتصادی کارآمد بوده و رفاه اجتماعی را افزایش دهد. از این منظر، هدف حقوق کیفری کاهش هزینه‌های اجتماعی جرم (هزینه‌های ناشی از جرم و پیشگیری از آن) و یافتن پاسخ این پرسش است که مجازات از لحاظ اقتصادی چه نفعی برای جامعه دارد (بادینی، ۱۳۸۲: ۱۰۴).

در تحلیل اقتصادی حقوق کیفری، افراد جامعه محاسبه‌گر و عاقل فرض می‌شوند. بنابراین، بزه‌کاران قبل از اقدام به ارتکاب جرم، هزینه‌های احتمالی بزه‌کاری (احتمال کشف جرم و مجازات در انتظار) را با منافع احتمالی مورد سنجش قرار می‌دهند. در نتیجه بالا بودن هزینه‌ها در مقابل سود حاصله، بزه‌کار را از ارتکاب جرم باز خواهد داشت (Becker, 1968: 176). بنابراین، افراد اولویت‌های مشخص و منظمی دارند و با در نظر گرفتن محدودیت‌های موجود (از حیث درآمد، وقت و منابع) در پی افزایش نتایج ناشی از این اولویت‌ها هستند (بابایی، ۱۳۸۶: ۳۰). به علاوه، افزایش هزینه فرصت‌های از دست رفته بزه‌کاران، احتمال گرایش به فعالیت‌های بزه‌کارانه را کم خواهد کرد. برای مثال، افزایش فعالیت‌های قانونی و هزینه‌های آن برای مقابله با جرم موجب خواهد شد که بزه‌کاران کمتر به فعالیت‌های مجرمانه خاص گرایش پیدا کنند.

از نظر اقتصادی، دو عرضه‌کننده برای جرم قابل تصور است؛ بزه‌دیدگان عرضه‌کننده و بزه‌کاران عرضه‌کننده. اقتصاددانان در تبیین این وضعیت‌ها معتقدند بزه‌دیدگان، تولیدکنندگان ناخواسته‌ای برای عرضه موقعیت‌های بزه‌کارانه‌اند و بزه‌کاران، برای این موقعیت‌ها مشتری ایجاد می‌کنند.

عرضه از سوی بزه‌دیدگان زمانی قابل تصور است که برخی از افراد در یک جامعه با میزان معینی از خطر ارتکاب جرم، به طور ناخواسته موقعیت‌های بزه‌کارانه را ایجاد کنند که پایین‌تر از ریسک متعارف در جامعه است. به عبارت دیگر، برخی از آماج‌ها موقعیت‌های بزه‌کارانه را به شکل راحت‌تر و ارزان‌تر برای بزه‌کاران ایجاد می‌کنند (Roman & Farrell, 2002: 63). عرضه توسط بزه‌کاران، به این معنا است که برخی از بزه‌کاران با درجات بالایی از احتمال مرتکب جرم خواهند شد. در این حالت دولت مجبور است که هزینه‌های زیادی صرف افزایش ریسک در موقعیت‌های مجرمانه نماید تا از میزان بزه‌کاری این افراد بکاهد (Ibid. 64). از دیدگاه اقتصادی، هزینه‌های تولید و عرضه کالا و خدمات، قیمت آن‌ها را در بازار تعیین می‌کند. در نتیجه، شناخت هزینه‌ها به عرضه‌کننده و تقاضاکننده کمک می‌کند تا بهترین قیمت را برای معامله انتخاب کنند. در تحلیل اقتصادی حقوق کیفری نیز تعیین میزان هزینه‌ها، قیمت‌های واقعی آن را در نزد عرضه‌کننده نشان می‌دهد.

زمانی که اندیشه کارایی اقتصادی در یک جامعه‌ای حاکم باشد، تحلیل اقتصادی حقوق کیفری هدف خود را در جلوگیری از تعامل آسان بین بزه‌دیده و بزه‌کار می‌بیند. زیرا در غیر این صورت، جرم بدون اینکه با مانعی مواجه شود، ارتکاب یافته و از میزان رفاه جامعه می‌کاهد (وکس، ۱۳۸۹: ۸۵).

سخن تحلیل‌گران اقتصادی حقوق آن است که کارایی اقتصادی، هدفی است که در حقوق نیز باید مد نظر قرار گیرد و قواعد حقوقی نیز باید به تحقق این هدف کمک کنند. به عبارت دیگر، علم حقوق نیز باید به استفاده بهینه از منابع کمک کند.

#### ۱-۲- ضرورت ارزیابی هزینه‌های جرایم

در تحلیل اقتصادی حقوق کیفری، ضمانت اجراها (زندان، شلاق، جزای نقدی و غیره) به عنوان بهای ضمنی جرائم در نظر گرفته می‌شود (Miceli, 2008:2). در بازار جرم، قیمت واقعی ضمانت اجراها با ارزیابی هزینه‌های آن‌ها قابل تعیین است. تولیدکنندگان، هزینه‌هایی را برای به دست آوردن منابع تولید و عرضه کالا و خدمات صرف می‌کنند و تقاضاکنندگان نیز متقابلاً مبالغی را برای به دست آوردن کالا و خدمات می‌پردازند. شناسایی این هزینه‌ها فقط از طریق استفاده از ابزارها و روش‌های اقتصادی امکان‌پذیر است.

ارزیابی هزینه‌های جرم، موجب کارآمدی بودجه در سیاست جنایی کشورها شده و سیاست‌گذاران را نسبت به تأثیرات منفی جرم بر زندگی اجتماعی و منافعی که در قبال کاهش جرم عاید جامعه می‌شود آگاه می‌نماید (Brand & Price, 2000: 1).

طرفداران تحلیل اقتصادی حقوق کیفری، برای توجیه ارزیابی هزینه‌های جرم دلایلی را ارائه می‌کنند. نخست اینکه هزینه‌های جرم با میزان جرائم ارتباط تنگاتنگی دارند. بدین معنا که هر چه میزان جرائم بیشتر (یا کمتر باشد)، میزان هزینه‌های آن نیز به همان نسبت افزایش یا کاهش خواهد داشت. بنابراین، ارزیابی هزینه‌های جرم، معضل بزه‌کاری را در اولویت‌های اصلی جامعه قرار می‌دهد که مستلزم توجه خاص جامعه است.

ثانیاً، ارزیابی هزینه‌های جرم به جرم‌شناسان کمک می‌کند تا میزان شدت و درجه اهمیت هر یک از جرائم را با توجه به میزان آسیب و خسارت ناشی از آن تعیین کنند. در نتیجه، زمینه‌های واکنش کارآمد نسبت به جرائم از طریق انطباق هزینه‌های نتایج واکنش بر هزینه‌های جرم فراهم می‌شود. این امر زمانی اهمیت فوق‌العاده پیدا می‌کند که متولیان سیاست جنایی در جامعه با دو پدیده مجرمانه متفاوت دست به گریبان باشند که هر کدام تدابیر خاص خود را می‌طلبند. در این وضعیت، کمبود منابع، سیاست‌گذار را به انتخاب یکی از اولویت‌ها وادار می‌کند. ارزیابی هزینه‌های

جرم کمک می‌کند تا منافع و هزینه‌های هر یک از اولویت‌ها به خوبی شناسایی شده و در نتیجه، دست به انتخابی زده شود که میزان رفاه اقتصادی را در جامعه افزایش می‌دهد.

ثالثاً، ارزیابی هزینه‌های جرائم از یک سو، زمینه استفاده از ابزارهای تحلیل هزینه - فایده را در قلمرو حقوق کیفری فراهم می‌کند، چراکه ارزیابی هزینه‌ها و منافع و اعمال واکنش مناسب، نیازمند استفاده از ابزارهای هزینه - فایده است. از سوی دیگر، ارزیابی هزینه‌ها قانون‌گذاران و قضات را در جرم‌انگاری رفتارها و تعیین مجازات مناسب با در نظر گرفتن شدت آسیب وارده به جامعه یاری خواهد کرد.

بدین ترتیب، در تحلیل اقتصادی جرم، همه جرائم با درجات متفاوت هزینه‌هایی برای جامعه دارند. آنچه باید وجه همت دست اندرکاران سیاست جنایی باشد، توجه به معادله هزینه - فایده است تا با کمترین هزینه، بیشترین فایده که همانا مقابله با جرم و کاهش آن است، به دست آید.

## ۲- انواع هزینه‌ها

جرائم هر ساله هزینه‌های سرسام‌آوری به جوامع بشری تحمیل می‌کنند. بارزترین این هزینه‌ها، هزینه‌های بزه‌دیدگان جرم (درآمد از دست رفته، هزینه‌های پزشکی، درد و رنج ناشی از جرم) و هزینه‌های سیستم عدالت کیفری (پلیس، دادسرا، دادگاه و هزینه‌های اجرای مجازات) است.

اقتصاددانان، هزینه‌های جرائم را با روش‌های مختلفی دسته‌بندی کرده و مورد مطالعه قرار داده‌اند. در ادبیات اقتصاد سنتی، هزینه‌های جرائم به سه گروه تقسیم می‌شد:

- ۱- هزینه‌هایی که به طور مستقیم از رفتار بزه‌کارانه ناشی می‌شود، یعنی: هزینه‌های خارجی که بزه‌کار به بزه‌دیده وارد می‌آورد.
- ۲- هزینه‌هایی که جامعه برای پاسخ به بزهکاری و بازدارندگی یا پیشگیری از رویدادهای مجرمانه در آینده صرف می‌کند.
- ۳- هزینه‌هایی که بزهکار با ارتکاب جرم تحمل می‌کند (Cohen & Bowles, 2010: 147).

مانند هزینه فرصت از دست رفته که بزه‌کار در طول مدت اجرای مجازات می‌توانست به عنوان یک عضو فعال برای خود و جامعه مفید باشد.

گروهی دیگر از اقتصاددانان هزینه‌ها را به سه دسته زیر تقسیم کرده و ارزیابی خود را به آن محدود کرده‌اند:

- ۱- هزینه‌های مربوط به پیش‌بینی جرم (هزینه‌های پیشگیری و خدمات بیمه)؛
- ۲- هزینه‌های ناشی از ارتکاب جرم که به بزه‌دیدگان تحمیل می‌شود (هزینه‌های بزه‌دیده)؛
- ۳- هزینه‌های که برای واکنش به جرم صرف می‌شود، یعنی: هزینه‌های نظام عدالت کیفری (Czabanski, 2008: 10).

این دسته‌بندی به دلیل عدم محاسبه هزینه‌های بزه‌کاران، مورد انتقاد اقتصاددانان قرار گرفته است. همچنین، در این دسته‌بندی اشاره‌ای به هزینه‌هایی که جرائم به خانواده قربانیان و عدالت کیفری برای بازدارندگی مضاعف وارد می‌کند نشده است.

کهن با ترکیب این دسته‌بندی‌ها، تقسیم‌بندی جامعی از هزینه جرائم ارائه نموده است:

۱- هزینه‌های بزه‌دیدگان که شامل زیان‌های مالی وارده، درد و رنج و از دست رفتن کیفیت زندگی سابق است؛

۲- هزینه‌های تدابیر احتیاطی که از سوی افراد و شرکت‌ها در قبال جرم صرف می‌شود؛

۳- هزینه‌های رفتارهای احتیاط‌آمیز افراد و به عبارت دیگر، عدم ریسک‌پذیری افراد؛

۴- هزینه‌های نظام عدالت کیفری؛

۵- هزینه برنامه‌های پیشگیری و بازپروری؛

۶- هزینه‌های بعدی جرم بر افراد؛

۷- هزینه‌های آتی جرم بر جامعه؛

۸- هزینه‌های عدالت کیفری برای تضمین اجرای عدالت؛

۹- هزینه‌های بزه‌کاران و خانواده‌های آنان در زمان اجرای مجازات (Cohen & Bowles, 2010: 148).

در تبیین اقتصادی جرم، کنش و واکنش مناسب به پدیده بزه‌کارانه، در گرو شناخت این هزینه‌هاست. سیاست‌گذاران برای برنامه‌ریزی صحیح درباره اقدامات پیشگیرانه و افراد جامعه برای اتخاذ تدابیر احتیاطی، به شناخت این هزینه‌ها نیاز دارند.

در مدل اقتصادی، بزه‌کاران به میزان هزینه‌های رفتارهای خود توجه دارند. عدم توانایی در شناخت انواع هزینه‌ها و میزان آن‌ها تأثیر فراوانی بر ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم دارد.

همچنین، باید پذیرفت که هزینه بخش‌های مختلف جامعه اعم از خصوصی یا دولتی آثار متفاوتی بر پدیده مجرمانه دارد. برای مثال، نصب دزدگیر توسط صاحب خانه ممکن است بزه‌کار را نسبت به سرقت از منزل وی منصرف نماید، ولی او را به سرقت از منزل همسایه منحرف می‌نماید. اقتصاددانان بر این باورند که هزینه‌های انجام شده توسط بخش خصوصی باید به گونه‌ای سازماندهی شود که باعث افزایش بازدارندگی عمومی در سطح جامعه شود (Cooter & Ulen, 2003: 452).

بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که هزینه‌های جرم از ابعاد مختلفی مورد توجه قرار گرفته است. اشاره به مهم‌ترین اقسام هزینه‌های جرم، سیاست‌گذاران جنایی را در اتخاذ تدابیر کم هزینه در قبال ارتکاب جرم، یاری خواهد کرد.

۱-۲- هزینه‌های خصوصی<sup>۱</sup> و عمومی<sup>۲</sup>

اقتصاددانان در ارزیابی هزینه‌های جرائم، نخست قلمرو ارزیابی خود را تعیین می‌کنند و در واقع به دنبال یافتن پاسخ این سؤال هستند که ارزیابی، هزینه‌های خصوصی جرم است یا هزینه‌های عمومی آن؟ در آمریکا مطالعاتی در زمینه هزینه جرائم انجام شده است که غالباً به هزینه‌های خصوصی مربوط می‌شوند. در این میان، مطالعات اندکی به بررسی هزینه‌های عمومی مانند هزینه‌های پلیس، دادگاه و هزینه‌های اجرای مجازات‌ها اختصاص دارد. حال باید دید منظور از هزینه‌های عمومی و خصوصی چیست (Anderson, 1999: 3-4).

هزینه‌های خصوصی، هزینه‌های هستند که بخش خصوصی برای نصب سیستم‌های کنترل‌کننده و هشداردهنده امنیتی و دیگر تدابیر احتیاطی برای پیشگیری از بزه‌دیدگی صرف می‌کند مانند هزینه نصب دزدگیر در منازل و اتومبیل‌ها یا نصب قفل‌های ضد سرقت بر روی آن‌ها یا نصب میله‌های محافظ به پنجره‌ها و غیره.

در کنار هزینه‌های خصوصی، هزینه‌های عمومی، قرار دارند. منظور از هزینه‌های عمومی هزینه‌هایی است که دولت برای کاهش بزه‌کاری و یا از بین بردن نتایج نامطلوب آن در جامعه صرف می‌کند. دولت‌ها همه ساله بودجه‌هایی را برای این منظور در نظر می‌گیرند. بنابراین، شناخت هزینه‌های عمومی کمک شایانی به دولت در راستای اجرای مناسب برنامه‌های سیاست جنایی می‌کند.

۲-۲- هزینه ثابت<sup>۳</sup> و هزینه‌های موقت<sup>۴</sup>

اقتصاددانان بین هزینه‌های ثابت و موقت جرائم تفاوت قائل می‌شوند. منظور از هزینه‌های ثابت، ارزیابی هزینه‌های یکایک جرائم بدون توجه به زمان ایجاد هزینه است (Cohen & Bowles, 2010: 145). به این معنا که جرم ارتكابی علاوه بر خسارت‌های زمان وقوع، در آینده نیز هزینه‌هایی به بزه‌دیده تحمیل خواهد کرد. در نتیجه، میزان این هزینه‌ها همواره در حال تغییر است. در مقابل هزینه‌های ثابت، هزینه‌های موقت قرار دارند و منظور از آن، هزینه‌هایی است که جرم در یک دوره زمانی مشخص صرف‌نظر از هزینه‌های آینده و یا گذشته به وجود می‌آورد. (Ibid. 146).

در این تحلیل، پژوهشگر باید دامنه زمانی ارزیابی خود را تعیین نماید. به طور مثال، چنانچه هدف ارزیابی، بررسی هزینه‌های جرم در سال ۱۳۸۸ باشد، باید هزینه‌های جرائم واقعی که در این سال روی داده ارزیابی شود. در این رویکرد، محقق توجهی به هزینه‌های جرم که در سال‌های آینده

---

1. Individual Costs  
2. Aggregate Costs  
3. Incidence Costs  
4. Prevalance Costs

ممکن است به وجود آید و یا هزینه‌های جرائم سال‌های گذشته ندارد. در ارزیابی هزینه‌های مقطعی، باید کلیه هزینه‌های ثابت حال و آینده جرم مورد مطالعه قرار گیرد.

ارزیابی هزینه‌ها به صورت مقطعی این امکان را به سیاست‌گذار می‌دهد تا میزان هزینه‌های پیشگیری از جرم در سال‌های آتی را به خوبی پیش‌بینی نماید. ارزیابی هزینه‌های ثابت نیز به او کمک می‌کند تا هزینه‌های واقعی ناشی از جرم را شناسایی و تصمیمات مناسبی برای به کار گرفتن تدابیر درمانی و مقابله‌گر اتخاذ نماید.

## ۲-۳- هزینه‌های گذشته و آتی<sup>۱</sup>

در بازار جرم، فرض بر این است که بزه‌کاران بالقوه با بزه‌دیدگان بالقوه در میزان هزینه‌های درد و رنج ناشی از جرم چانه‌زنی می‌کنند. قیمت ارائه شده بزه‌کار، عبارت است از: میزان تمایل پذیرش خطر در ازای ارتکاب جرم و تحمیل درد و رنج به بزه‌دید (Cohen, 2005: 26) در نتیجه، قیمت ارائه شده از سوی بزه‌دیدگان عبارت خواهد بود از: میزان تمایل به پرداخت هزینه برای اجتناب از درد و رنج ناشی از اقدام بزه‌کار. به عبارت بهتر، میزان هزینه‌ای که بزه‌دیدگان بالقوه در قبال مصونیت از جرم حاضر به پرداخت آن هستند.

اگر مشتریان کالایی را نپسندند، میزان تقاضا بیشتر از میزان عرضه خواهد شد. زیرا، مشتریان میزان عرضه را با توجه به میزان ثروت خود تعیین می‌کنند. در حالی که میزان تقاضا دارای محدودیت خاصی نیست و میزان آن با ثروت شخص ارتباطی ندارد.

هزینه‌هایی را که بزه‌دیدگان بالقوه برای مصون ماندن از بزه‌دیدگی حاضر به پرداخت آن هستند، به هزینه‌های آتی تعبیر می‌شود و هزینه‌هایی که پس از وقوع جرم بر جامعه و بزه‌دیده تحمیل می‌شود، هزینه‌های گذشته نامیده می‌شود. (همان، ۲۷).

توجه به تفاوت رویکردی در خصوص هزینه‌های فوق، در سیاست‌گذاری جنایی حائز اهمیت است. در صورتی که سیاست‌گذار قبل از عملی کردن برنامه بخواهد به میزان کارایی آن در آینده واقف شود، می‌تواند از رویکرد ارزیابی هزینه‌های آتی کمک بگیرد. زیرا، این رویکرد نشان خواهد داد که خود مردم چه میزان برای اهداف پیش‌بینی شده در برنامه قابل اجرا، حاضر به تحمل هزینه‌اند. بدین ترتیب، میزان هزینه‌های واقعی ناشی از اجرای برنامه به دست می‌آید و از اتلاف منابعی که برای فعالیت‌های تولیدی دیگر می‌توانست به کار رود، جلوگیری خواهد شد. در مقابل، رویکرد ارزیابی هزینه‌های گذشته در تعیین میزان واقعی درد و رنج بزه‌دیدگان و جبران خسارت آن‌ها کاربرد دارد.

---

1. Ex ante and Ex post costs

## ۲-۴- هزینه فرصت از دست رفته

در کنار هزینه‌هایی که افراد از آن‌ها اطلاع دارند، هزینه‌هایی وجود دارد که به آسانی قابل تشخیص نیستند. این نوع هزینه‌ها در اقتصاد به هزینه‌های فرصت از دست رفته شهرت دارند. اقتصاددانان هزینه فرصت از دست رفته را به عنوان مؤلفه‌ای ارزشمند در ارزیابی هزینه‌ها محسوب می‌کنند.

هزینه فرصت از دست رفته عبارت است از: هزینه از دست دادن بهترین جایگزین در زمان خاص (Cohen, 2005: 27). برای مثال، اگر بزه‌دیده برای احقاق حق خود ده ساعت در پاسگاه انتظامی، دادسرا، پلیس و دادگاه وقت صرف کند، این ده ساعت هزینه فرصت از دست رفته تلقی می‌شود. هزینه فرصت در این ده ساعت برابر است با مقدار ساعتی که بزه‌دیده برای انجام سایر امور می‌توانست صرف کند و مابه‌ازایی دریافت کند. به این هزینه‌ها باید سختی رنج و آسیب و از دست رفتن کیفیت زندگی در زمان فوق را نیز افزود.

از نظر اقتصادی، هزینه فرصت از دست رفته، برابر است با ارزش منافع ممکن الحصول یا انتخاب رفتار جایگزین با ارزش دیگر که در دسترس شخص بوده ولی این ارزش را به دلیل انتخاب دیگری به نام جرم از دست داده است. (dutta, 2006:14)

منابع موجود برای تولید کالاها و تأمین خواسته‌های بشر کمیاب هستند. این بدان معناست که تولید کالایی، مساوی با از دست دادن موقعیت تولید کالای دیگر است. در نتیجه، متخصص اقتصادی باید دست به انتخاب عقلانی بزند. این انتخاب نیازمند این است که افراد از برخی از اولویت‌های خود صرف نظر کنند. هر کدام از این اولویت‌ها دارای هزینه‌هایی خاص خود است. به طور مثال، اگر کارگر روزمزد که روزانه بیست هزار تومان درآمد دارد، چنانچه این شخص روزی کار نکند و در منزل بماند، در این صورت هزینه ماندن وی در خانه برابر است با بیست هزار تومان هزینه فرصت از دست رفته که می‌توانست به امور دیگری مانند افزایش رفاه، خرید بیشتر و غیره اختصاص یابد. در علم اقتصاد به همه این هزینه‌ها، هزینه‌های فرصت از دست رفته می‌گویند.

مفهوم هزینه فرصت از دست رفته با تحلیل‌های اقتصادی به تدریج وارد علم حقوق نیز شده است. در حال حاضر، حقوق‌دانان نیز به دلیل کمبود منابع، ناگزیر از انتخاب بین اولویت‌ها هستند و باید به کلیه شرایط و ویژگی‌های تدابیر حقوقی از جمله هزینه‌ها و فایده‌های مترتب بر هر یک این تدابیر توجه کنند.

## ۳- توزیع هزینه‌ها

هزینه‌های جرم بین کسانی که در فرایند بزهکاری درگیرند توزیع می‌شود. برخی از هزینه‌ها به بزه‌دیده، برخی دیگر به جامعه و قسمتی نیز به بزه‌کار تحمیل می‌شود. در این میان، بزه‌دیده بیشترین هزینه (اعم از عینی و ذهنی) را متحمل می‌شود. جامعه نیز در صورت ارتکاب جرم به دلیل شکست

سیاست جنایی خود متحمل هزینه‌هایی می‌شود. بزه‌کار نیز برای ارتکاب جرم و بعد از آن برای فرار از کشف و محاکمه، هزینه‌هایی را تحمل می‌کند. بدین ترتیب لازم است این سه نوع هزینه تبیین شود.

### ۳-۱- هزینه‌های بزه‌دیده

با وجود تأثیر مستقیم جرم بر زندگی بزه‌دیده، حضور بزه‌دیده در فرایند کیفری کمتر نمود دارد. شاید بتوان گفت که یکی از دلایل عمده این بی‌توجهی به بزه‌دیده، ناشی از عدم آگاهی از میزان هزینه‌های وارد شده به بزه‌دیدگان است.

از دیدگاه اقتصادی، هزینه‌های بزه‌دیدگی را می‌توان به دو دسته هزینه‌های قبل از بزه‌دیدگی و هزینه‌های بعد از بزه‌دیدگی تقسیم کرد. هزینه‌های قبل از بزه‌دیدگی، عبارتند از: هزینه‌هایی که از ارتکاب جرم جلوگیری می‌کنند یا خسارت آن را به حداقل می‌رسانند، مانند هزینه‌هایی که برای نصب دزدگیرها، قفل‌ها، استخدام نگهبان محله برای گشت‌های شبانه از سوی افراد یک محله، نصب دوربین برای کنترل ورود و خروج افراد به آپارتمان‌ها و یا استخدام سرایدار و نگهبان برای کنترل رفت و آمد به داخل ساختمان و غیره، صرف می‌شود.

در کنار این هزینه‌ها، می‌توان از هزینه‌های بعد از بزه‌دیدگی یاد کرد. هزینه‌های بعد از بزه‌دیدگی، به هزینه‌هایی اطلاق می‌شوند که بزه‌دیدگان پس از ارتکاب جرم یا برای کاستن از نتایج نامطلوب جرم متحمل می‌شوند. مانند، هزینه‌های درد و رنج ناشی از جرم، هزینه‌های درمان، هزینه‌های از دست دادن کیفیت زندگی سابق و غیره.

اقتصاددانان هزینه‌های وارده به بزه‌دیده را به دو دسته کلی هزینه‌های مادی (محسوس) و هزینه‌های معنوی (غیرمحسوس) تقسیم می‌کنند.

### ۳-۲- هزینه‌های مادی

در فرایند ارتکاب جرم هزینه‌های متعددی به بزه‌دیدگان وارد می‌شود. هزینه‌های پزشکی و درمانی، درآمدهای از دست رفته و خسارت‌های وارده به اموال، که با توجه به نوع جرائم ارتكابی متفاوت است. برای مثال، خسارتی که از رفتارهای خشونت‌آمیز یک سارق به بزه‌دیده وارد می‌شود با خسارت وارده از سوی سارق عادی متفاوت است. به هر حال تمامی هزینه‌های مادی وارده به بزه‌دیدگان را می‌توان به هزینه‌های مادی مستقیم و هزینه‌های مادی غیرمستقیم تقسیم کرد.

بارزترین هزینه‌های ناشی از ارتکاب جرم مربوط به خسارات از دست دادن اموال و دارایی است. بیشتر جرائم، به ویژه جرائم علیه اموال مانند کلاهبرداری، خیانت در امانت، تصرف غیرقانونی، اختلاس، با اهداف اقتصادی و کسب سود ارتکاب می‌یابند. کلیه این جرائم هزینه‌های جانبی را برای بزه‌دیدگان به همراه دارند. اقتصاددانان، هزینه‌های جانبی را در قیاس با خسارت از دست دادن این اموال، بیشتر از

هزینه و ارزش مادی خود مال می‌دانند. زیرا، مال از دست رفته می‌توانست منبعی برای افزایش در میزان درآمد شخص و در نتیجه رفاه او گردد (Cohen, 2005: 56).

همچنین، هزینه‌های مادی جرم با ثروت و دارایی افراد ارتباط نزدیکی دارد به گونه‌ای که هر چه ثروت و دارایی افراد بیشتر باشد ریسک احتمال بزه‌دیدگی آن‌ها نیز بالا می‌رود. بنابراین، هزینه زیادی را برای جلوگیری از بزه‌دیدگی در مقایسه با دیگران متحمل می‌شوند (خانعلی‌پور و اجارگاه، ۱۳۹۰: ۴۹). به علاوه، ثروتمندانی که اجازه ورود افراد مختلفی را مانند خانه‌داران، پرستاران و باغبانان به محیط خانه خود می‌دهند که این امر ریسک بزه‌دیدگی آن‌ها را بالا برده و ممکن است در آینده هزینه‌های مختلفی برایشان داشته باشد.

بدین ترتیب، بزه‌دیده‌ای که در فرآیند بزه‌دیدگی متحمل هزینه فرصت از دست رفته می‌شود، دوباره در فرآیند نظام عدالت کیفری متحمل این هزینه می‌شود. زیرا، بزه‌دیده فرصت زیادی را در نظام عدالت کیفری به امید احقاق خود صرف کرده است که می‌توانست صرف امور دیگر شود. زمانی که صدمه‌ای به شخص وارد می‌شود، دیگر توانایی سابق او برای اداره خانواده در ابعاد مختلف از بین می‌رود. در نتیجه، برای انجام این امور ممکن است افراد دیگر خانواده، جایگزین شوند یا افرادی برای این منظور استخدام شوند که کلیه این اقدامات هزینه‌زاست. حتی ممکن است بزه‌دیده توانایی انجام این امور را داشته باشد، ولی کاری را که می‌توانست در زمان خاصی انجام دهد، در وضعیت فعلی در دو برابر آن زمان انجام می‌دهد. در این صورت، هزینه از دست رفته برای او عبارت است از: مدت زمان اضافی که می‌توانسته صرف کار مفید و درآمدزای دیگر نماید.

هزینه‌های پزشکی جرائم را نیز می‌توان به دو دسته هزینه‌های پزشکی که بلافاصله پس از وقوع جرم به بزه‌دیده تحمیل می‌شود و هزینه‌هایی که برای کسب سلامت روانی او لازم است، تقسیم‌بندی کرد. بعد از وقوع جرم، آسیب‌ها و صدماتی به بزه‌دیدگان وارد می‌شود که نیازمند خدمات پزشکی - درمانی فوری است. این هزینه‌ها غالباً برای یک دوره زمانی معین پس از حادثه ضرورت پیدا می‌کند، مانند هزینه‌های بستری شدن در بیمارستان، هزینه‌های عمل جراحی، هزینه‌های دارو و غیره. اقتصاددانان معتقدند این هزینه‌ها معمولاً از طریق مراکز بیمه قابل جبران‌اند، مشروط بر اینکه همه مردم دسترسی به خدمات بیمه‌ای داشته باشند و صدمه وارده از جمله صدمات تحت پوشش بیمه باشد. باید به هزینه‌های درمانی، هزینه‌های سلامت روانی که بزه‌دیدگان برای بازگشت به وضعیت روانی سابق لازم دارند نیز افزوده شود. بعضی از جرائم آثار روانی ناگواری بر افراد دارند و حتی اثرات برخی از آن‌ها سال‌ها بر روح و روان اشخاص باقی می‌ماند. در این صورت، بزه‌دیدگان مجبورند برای بازگشت به حالت سابق هزینه‌هایی برای مشاوره‌های روانی، داروهای آرام بخش و حتی دوری از محل وقوع جرم صرف کنند. باید بلافاصله متذکر شد که

هزینه‌های سلامت روانی تا حد زیادی به توانایی مالی افراد و تمایل آن‌ها برای پرداخت این هزینه‌ها دارد. زیرا، بسیاری از این خدمات، تحت پوشش خدمات بیمه قرار ندارد. هزینه‌های درد و رنج عاطفی، یکی دیگر از هزینه‌هایی است که به بزه‌دیدگان تحمیل می‌شود. درد و رنج عاطفی یعنی تأثیرپذیری یا واکنش روانی بزه‌دیده که در برخورد با امری بیرونی به نام جرم، در او پدید می‌آید و ممکن است به شکل ترس، خشم، کینه و مانند اینها جلوه‌گر شود و ماهیتی متفاوت از هزینه‌های روانی جرم دارد (رایجیان اصل، ۱۳۸۴: ۸۶). از دیدگاه برخی، ماهیت هزینه درد و رنج عاطفی به گونه‌ای است که نمی‌توان برآورد مادی از آن‌ها داشت تا بتوان آن‌ها را جبران کرد (همان، ۸۷). اما به نظر می‌رسد هزینه درد و رنج عاطفی را نیز می‌توان با استفاده از نظر متخصصان ارزیابی کرد. به هر حال می‌توان با پرداخت بخشی از هزینه‌های بزه‌دیده به دلیل مراجعه به روان‌شناس یا پرداخت قسمتی از زیان‌های مادی بزه‌دیده به دلیل عارضه عاطفی که موجب ناتوانی در انجام فعالیت‌های خاص از قبیل، از دست دادن تمرکز عمل، می‌شود، (ناتوان شدن از انجام درست کار خود مانند از دست دادن تمرکز در عمل جراحی) به عنوان هزینه‌های عاطفی جبران کرد.

### ۳-۳- هزینه‌های معنوی

اقتصاددانان، برای ارزیابی هزینه‌های معنوی جرائم از روش‌های مختلفی استفاده می‌کنند. برخی از این روش‌ها با محاسبه هزینه‌های مربوط به کاهش بزه‌دیدگی، به ارزیابی هزینه‌های معنوی جرائم برای جامعه و بزه‌دیده بالقوه می‌پردازند. برخی از روش‌ها نیز در ارزیابی هزینه‌های معنوی به هزینه‌های بعد از بزه‌دیدگی توجه دارند.

هزینه‌های درد، رنج و کیفیت زندگی<sup>۱</sup> از جمله هزینه‌های معنوی محسوب می‌شوند. معمولاً، اقتصاددانان این هزینه‌ها را با در نظر گرفتن میزان صدمه وارده محاسبه می‌کنند. میزان صدمه وارده شامل میزان کمی درد و رنج وارده به بزه‌دیده است. در این ارزیابی میزان رنج و بهره‌وری از دست رفته، به صورت کمی محاسبه می‌شود، سپس در میزان خطر مرگی که جرم می‌توانست برای بزه‌دیده به همراه داشته باشد، ضرب شده تا ارزش کیفیت زندگی از دست رفته به دست آید. (Cohen & Bowles, 2010: 152-153)

به نظر اقتصاددانان، هزینه کیفیت زندگی از دست رفته در جرائم، متفاوت است. جرائمی مانند سرقت ساده به دلیل ارتباط آن با اموال کمتر متوجه خود بزه‌دیده است. بنابراین، هزینه کیفیت زندگی از دست رفته، در چنین جرمی نمود آن چنانی ندارد. اما، جرم سرقت مقرون به آزار و تهدید، به دلیل اینکه بزه‌دیده را نیز هدف قرار می‌دهد، هزینه کیفیت زندگی از دست رفته را به بزه‌دیده تحمیل می‌کند.

از جمله هزینه‌های معنوی جرم، می‌توان به هزینه‌های محبت، دوستی و علاقه از بین رفته بین بزهدیده و سایر اعضای خانواده<sup>۱</sup> اشاره نمود. در بعضی از جرائم، روابط عاطفی بین اعضای خانواده از هم گسسته می‌شود یا در جرائم خشونت‌آمیز، نزدیکان بزهدیده که به طور مستقیم شاهد جرم بوده، لطمات شدید روحی می‌بینند که آثار آن تا مدت زمان نسبتاً طولانی باقی می‌ماند (Cohen, 2005: 65).

به‌رغم اینکه در اسناد سازمان ملل متحد و حقوق داخلی برخی از کشورها مانند آلمان و فرانسه، نهادهایی برای کاهش لطمات عاطفی و روانی بزهدیدگان پیش‌بینی شده است (آشوری، ۱۳۷۶: ۲۶۰). متأسفانه در حقوق ایران جای جبران چنین خسارت‌هایی خالی است. فقط در قانون مسؤولیت مدنی که عملاً رغبتی به اجرای آن دیده نمی‌شود، لزوم جبران خسارت‌های معنوی که الزاماً ناشی از جرم نیست به رسمیت شناخته است.

در نظام عدالت کیفری ایران برای نخستین بار در بند ۲ ماده ۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از مواد آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۵ بر جبران خسارت‌های معنوی ناشی از جرم تأکید شد. ضرر و زیان معنوی که در این بند بیان شده عبارت بود از: کسر حیثیت و یا اعتبار اشخاص یا صدمات روحی.

بعد از انقلاب اسلامی برخی از آرای صادر شده بر لزوم جبران خسارت معنوی تکیه داشتند. برای نمونه می‌توان به رأی شماره ۱۰/۲/۱۳۶۳-۲۵۲-۲۵۱ شعبه ۱۸۱ دادگاه کیفری ۲ تهران، اشاره کرد. در این دادنامه، زوج به دلیل ادعای غیرواقعی بر باکره نبودن همسرش، به پرداخت سیصد هزار ریال بابت ضرر و زیان معنوی در حق زوجه محکوم شد (آشوری، ۱۳۸۲: ۲۳۹).

در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۷۸ خسارت معنوی از قلمرو خسارت‌های قابل جبران در نظام عدالت کیفری حذف شد. خسارت‌های قابل جبران در این قانون فقط عبارتند از: ضرر و زیان مادی جرم و منافع ممکن الحصول. بدین ترتیب که دعاوی جبران خسارت معنوی ناشی از جرم، قابل پذیرش نیست.

به‌رغم فقدان حکم صریح در قانون، به نظر می‌رسد، نظام عدالت کیفری تمایل به پذیرش این نوع خسارت دارد. چنانکه در برخی نظریات مشورتی قوه قضاییه جبران خسارت‌های معنوی در کنار خسارت‌های مادی پذیرفته شده است. نظریه مشورتی ۷/۷۲۷۰-۲۸/۸/۱۳۸۲ بیان می‌دارد: در صورتی که زوجه مرتکب زنا محصنه شود، شوهرش و چنانکه زوج مرتکب زنا محصنه گردد زوجه‌اش از وقوع جرم متضرر می‌شوند. بنابراین با تحقق فرض مزبور هر کدام از زوج و زوجه به استناد ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۸۷ می‌توانند در مقام مطالبه چنین حقی بر آیند.

از سوی دیگر، به نظر می‌رسد قانون‌گذار با صدور رأی وحدت رویه ۵۸۲-۱۳۸۲/۱۲/۲ و اعلام اینکه مطالبه جبران خسارت عنوان دعوای حقوقی دارد و نیازمند ارائه دادخواست به دادگاه حقوقی است، به بزهدیده این امکان را می‌دهد که با توجه به خلاء قانونی آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی، برای جبران خسارت معنوی خود با تقدیم دادخواست به دادگاه حقوقی، از مواد قانون مسئولیت مدنی در زمینه جبران خسارت‌های معنوی استفاده کند.

به هر حال لازم است قانون‌گذار با توجه به تجربه برخی از کشورها، هماهنگ با پذیرش هزینه‌های معنوی در جرائم و قابل جبران بودن آن به عنوان یک ضرورت، خلاءهای قانونی جبران خسارت معنوی ناشی از جرم را رفع نماید.

یکی دیگر از روش‌هایی که اقتصاددانان برای ارزیابی هزینه‌های معنوی مورد استفاده قرار می‌دهند، ارزیابی بر اساس خطر بزهدیده واقع شدن<sup>۱</sup> است. در این روش اقتصاددانان برای ارزیابی هزینه‌ها به میزان هزینه‌های بزهدیدگان برای جلوگیری از بزهدیده واقع شدن توجه دارند. به عبارت دیگر، در این روش برخلاف روش محاسبه میزان صدمه وارده که فقط به هزینه‌های بعد از بزهدیدگی توجه دارد، هزینه‌های قبل از بزهدیدگی نیز بررسی می‌شود. بدین ترتیب، ارزش زندگی افراد به میزان منابعی که برای حفظ آن هزینه می‌کند، بستگی دارد.

### ۳-۴- هزینه‌های جامعه

هزینه‌های اجتماعی، عبارت است از: هزینه‌هایی که جامعه برای مبارزه با بزهکاری صرف می‌کند و به سه بخش تقسیم می‌شود: هزینه‌های پیشگیری از جرم، هزینه‌های برنامه‌های نظام عدالت کیفری و هزینه‌های زندانیان، البته باید توجه داشت که هزینه‌های نوع سوم نیز به هزینه‌های نوع اول بر می‌گردد.

### ۳-۵- هزینه‌های پیشگیری از جرم

هزینه‌های پیشگیری از جرائم را در حوزه هزینه‌های بخش خصوصی و هزینه‌های بخش عمومی می‌توان مورد مطالعه قرار داد. طبق یک بررسی که در جامعه آمریکا به سال ۲۰۰۲ انجام شد، نزدیک به ۳۲ درصد مردم اظهار داشتند از ترس بزهدیده واقع شدن، حاضر نیستند شب‌ها به تنهایی بیرون از خانه بروند که در مقایسه با آمار ۴۷ درصدی سال ۱۹۸۲، ۱۵ درصد کاهش داشت. در این بررسی میزان درجه ترس با توجه به جنسیت و سن افراد متفاوت بود (نرخ ۱۷ درصدی مردان در مقایسه با نرخ ۵۵ درصدی زنان). بسیاری از این افراد برای پیشگیری از بزهدیدگی، ماندن در منزل و نصب قفل، دزدگیر و میله به پنجره‌ها را ترجیح می‌دادند. ملاحظه می‌شود قسمتی

از هزینه‌های انجام شده به طور مستقیم دارای بار مالی برای بزه‌دیده بالقوه است و برخی دیگر مانند ماندن در منزل، باعث عدم استفادهٔ بهینه از زندگی می‌شود. (همان، ۱۸).

نظام عدالت کیفری به تبع افراد، همه ساله هزینه‌هایی را برای پیشگیری از جرائم تحمل می‌کند. برخی از این هزینه‌ها مربوط به کاهش موقعیت‌های مجرمانه بوده و برخی دیگر برای بالا بردن سطح آگاهی افراد جامعه است.

### ۳-۶- هزینه دستگاه عدالت کیفری

نظام عدالت کیفری در بسیاری از کشورها برای مبارزه با پدیده بزه‌کاری همه ساله برنامه‌های خاصی را اجرا می‌کند. این برنامه‌ها با توجه به نوع و ماهیت خود هزینه‌هایی را به جامعه تحمیل می‌کنند. برخی دولت‌ها برنامه‌های اصلاح و بازپروری را سرلوحه سیاست جنایی خود قرار داده‌اند که مستلزم هزینه‌های هنگفت زندان و برنامه‌های بازپرورانه است. برخی دیگر، سیاست ارعابی - سزادهی را انتخاب می‌کنند که کم هزینه‌تر بوده اجرای آن نیز سهل تر است.

افراد جامعه که منبع اصلی تأمین‌کننده این هزینه‌ها هستند، باید نسبت به میزان سود و زیان ناشی از اجرای این برنامه‌ها آگاهی یابند. شهروندان باید بدانند جامعه چرا بخش قابل توجهی از درآمدها را به پلیس یا دادسرا اختصاص می‌دهد؟ پاسخ این پرسش‌ها که هزینه و منافع استخدام پلیس بیشتر است یا نصب دوربین؟ هزینه برنامه‌های اصلاح و درمان بیشتر است یا هزینه برنامه‌های ارعاب - سزادهی؟ از سوی دولت‌ها باید ارائه شود و دولت‌ها باید اطلاعات لازم را در این خصوص در اختیار شهروندان قرار دهند تا افراد جامعه با آگاهی با مجریان قانون مشارکت کنند. اقتصاددانان، هزینه‌های برنامه‌های نظام عدالت کیفری را با ارزیابی هزینه‌های اختصاص یافته به نهادهای پلیس، دادسرا و دادگاه و اجرای احکام به دست می‌آورند (Czabanski, 2008: 16).

بدین ترتیب، هزینه‌های بخش‌های مختلف دستگاه عدالت کیفری متفاوت است. نهادهای مختلف دستگاه عدالت کیفری می‌توانند از طریق عملکرد مناسب هزینه بخش‌های دیگر را کاهش یا برعکس به دلیل عملکرد نامناسب هزینه‌های مضاعف به بخش‌های دیگر تحمیل کند. برای مثال، دادسرا می‌تواند در پرونده‌ای به دلیل جرم نبودن عمل، قرار منع تعقیب صادر کرده و پرونده را بایگانی کند یا اینکه اشتبهاً قرار مجرمیت صادر کرده و هزینه اضافی دادگاه و مراجع اجرای احکام را به نظام عدالت کیفری تحمیل کند.

### ۳-۷- هزینه‌های بزهکاران

هزینه‌هایی را که بزهکاران به دلیل ارتکاب جرم متحمل می‌شوند، می‌توان به هزینه‌های قبل از ارتکاب جرم و بعد از ارتکاب جرم تقسیم کرد. هزینه‌های قبل از ارتکاب جرم، به آن دسته از

هزینه‌هایی اطلاق می‌شود که بزه‌کار از زمان انتخاب رفتار بزه‌کارانه (هزینه‌های برنامه‌ریزی، تهیه وسایل برای ارتکاب، شروع به جرم و در نهایت انجام) تا پایان آن متحمل می‌شود. اقتصاددانان مهمترین هزینه بزه‌کاران را هزینه فرصت ازدست رفته می‌دانند. یعنی انتخاب جایگزین رفتار بزه‌کارانه که می‌توانست وضعیت فرد را بهتر کند و هزینه‌های کمتری برای جامعه داشته باشد.

هزینه‌های بعد از ارتکاب جرم، شامل آن دسته از هزینه‌هایی می‌شود که بزه‌کاران به دلیل مجازات و یا محدودیت، قادر به کسب منافع یک زندگی عادی یا شغل مناسب نیستند. بزه‌کاری که حبس می‌شود، فرصت تولید و کارایی را از دست می‌دهد. از دست رفتن این فرصت هم برای بزه‌کار و هم برای جامعه هزینه‌زا است. این هزینه‌ها زمانی که شخص در بازداشت موقت به سر می‌برد یا مدت محکومیتش کمتر از یک سال است، بسیار بالاست. بر اساس ارزیابی که بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۶ در آمریکا از زندانیان (اعم از بازداشتی‌ها و محکومان به حبس) به عمل آمد، نشان داد که ۶۴ درصد زندانیان شاغل بوده‌اند که از این میان ۴۹ درصد شغل ثابت و تمام وقت و ۱۵ درصد شغل پاره‌وقت داشتند. اما، پس از تحمل کیفر از اشتغال بازمانده یا اینکه از حضور در محل کار خود و دریافت حقوق محروم شده‌اند. این آمار به خوبی میزان هزینه‌های از دست رفته زندانیان را نشان می‌دهد (Cohen, 2005: 85).

از دیگر هزینه‌های بزه‌کاران، افزایش صدمات و مرگ زندانیان در طول اجرای مجازات است. برای مثال، در سال ۲۰۰۰ آمار زندانیان آمریکا بالغ بر ۱/۲ میلیون نفر بود. آمار خودکشی زندانیان در این سال ۱۹۸ نفر، یعنی به عبارتی ۱۶،۵ درصد از ۱۰۰۰۰۰ بود. این در حالی است که آمار خودکشی در خارج از زندان ۱۰،۴ درصد از ۱۰۰۰۰۰ گزارش شده است. ۵۶ فقره قتل نیز توسط زندانیان دیگر گزارش شده بود که نرخ ۴،۷ درصدی از ۱۰۰۰۰۰ نفر را نشان می‌دهد. این گزارش، میزان تلفات بین گروه‌های سنی بین ۱۸ تا ۴۴ سال را که می‌تواند بیشترین بهره‌وری را در جامعه داشته باشد، نشان می‌دهد (Ibid. 87).

همچنین، زندانی شدن بزه‌کاران در برخی مواقع موجب فروپاشی نهاد خانواده و تحمیل هزینه‌های سنگین به خانواده بزه‌کار و جامعه است. بزه‌کار در برخی خانواده‌ها نقش تأمین‌کننده مخارج خانواده را بر عهده دارد. زندانی شدن فرد باعث می‌شود که اعضای دیگر خانواده برای تهیه این مخارج خانواده، امور را برعهده گیرند که این امر هزینه‌هایی برای شخص جایگزین دارد. به علاوه، گاهی به دلیل زندانی شدن بزه‌کار، خانواده وی فرو می‌پاشد و کیفیت زندگی سابق نیز از دست می‌رود.

از دیگر هزینه‌های اجرای مجازات‌ها هزینه‌های سلامت روانی بزه‌کار است. مسلماً، زدودن آثار این پیامدهای نامطلوب مستلزم صرف هزینه‌های سنگین است. در برخی موارد، اجرای مجازات به دلیل ناچیز بودن آن و با توجه به وضعیت روانی بزه‌کار به صلاح نیست. اجرای مجازات در این موارد پیامدهای ناخوشایندی بر روی سلامت روانی او می‌گذارد. بی‌جهت نیست که ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین، حبس‌های کمتر از ۹۱ روز را تبدیل به جزای نقدی نموده است.

### نتیجه‌گیری

ارزیابی هزینه‌های جرم با ظهور مکتب تحلیل اقتصادی حقوق جایگاه واقعی خود را در سیاست جنایی کشورها پیدا کرد. سیاست‌گذاران برای تخصیص منابع کمیاب، نیازمند شناخت کافی از میزان هزینه‌ها و منافع برنامه‌ها می‌باشند. از این رو برای ارزیابی هزینه‌ها نیازمند استفاده از معیارهای اقتصادی‌اند.

از دیدگاه تحلیل اقتصادی حقوق کیفری، پیش‌بینی رفتارهای بزه‌کارانه و مدیریت آن‌ها بستگی به تعیین میزان هزینه‌های جرم چه از جانب بزه‌کاران و چه از جانب بزه‌دیدگان و دولت دارد. زیرا، در مدل اقتصادی، قیمت‌ها در بازار بر اساس میزان هزینه‌ها تعیین می‌شود.

از نظر اقتصاددانان، ارزیابی هزینه‌های جرم و تدوین برنامه‌های نظام عدالت کیفری به متولیان امر در زمینه سیاست‌گذاری و پیشبرد برنامه‌های مورد نظر آنان کمک شایانی می‌کند. زیرا ارزیابی‌ها اطلاعات جامعی درباره هزینه‌های مالی برنامه‌ها به دست می‌دهد و سیاست‌های جنایی را بر اساس بودجه‌های اختصاص یافته ترسیم می‌کند. از این رو، اقتصاددانان معتقدند در تمامی مراحل برنامه‌ریزی سیاست جنایی، حضور تعدادی تحلیل‌گر اقتصادی حقوق ضروری است.

از دیدگاه اقتصادی، نگرش آماری به میزان جرائم و مقایسه آن با آمار جرائم سال‌های گذشته به تنهایی نشان‌دهنده موفقیت و کارایی برنامه‌های نظام عدالت کیفری نیست. زیرا، در بسیاری از موارد اجرای یک برنامه خاص برای کنترل جرم خاص پیامد جابجایی جرم یا جابجایی مجرم را در پی دارد. به طور مثال، برنامه‌های سیاست جنایی بی‌ضابطه در قبال مواد مخدر بعضاً موجب جایگزینی مواد روان‌گردان صنعتی غیرداروئی را به دنبال داشته است. بنابراین، حتی اگر کاهش میزان ارتکاب جرائم مواد مخدر را در مقایسه‌های آماری مشاهده شود، این بدین معنا نخواهد بود که میزان هزینه‌های جرائم نیز کاسته شده است. بلکه منجر به جانشین‌سازی رفتار بزه‌کارانه دیگر شده که هزینه‌های آن حتی بیشتر از هزینه‌های مواد مخدر برای جامعه است. بدین سان، می‌توان گفت که سیاست‌های اتخاذ شده برای مقابله با این جرم کارآمدی لازم را برای جامعه نداشته و بر هزینه‌های اجتماعی جامعه افزوده است.

تاکنون دولت‌ها تمایل چندانی به پذیرش هزینه‌های جرم و ارزیابی آن از خود نشان نداده‌اند. زیرا، بیشتر متولیان امر سیاست جنایی هنوز جایگاهی برای ارزیابی هزینه‌های جرائم قائل نیستند. به همین دلیل در قانون‌گذاری کیفری کشورها نمود ندارد.

از طرفی، افکار عمومی نیز آگاهی لازم نسبت به این هزینه‌ها پیدا نکرده و اثرات آن را بر میزان رفاه درک ننموده است. مضاف بر اینکه ارزش‌گذاری پولی به ارزش‌ها و رفتارها از سوی جامعه، هنوز نهادینه نشده است.

واقعیت این است که به‌رغم وجود تمامی این هزینه‌ها در ارتکاب جرم، متأسفانه در سیاست جنایی ایران نیز شناسایی بسیاری از این هزینه‌ها مورد توجه قانون‌گذار آیین دادرسی کیفری و رویه قضایی قرار نگرفته است. به‌رغم تأکید قانون مسؤولیت مدنی بر جبران انواع خسارت از جمله خسارت ناشی از جرم، در عمل به دلیل شبهاتی که در خصوص مشروعیت مطالبه ضرر و زیان معنوی و روحی مطرح شده است، با استقبال قضات مواجه نمی‌شود. چنانچه سیاست‌گذاران جنایی، در طراحی سیاست جنایی خود به هزینه‌های ناشی از جرم و ارزیابی صحیح آن‌ها توجه لازم مبذول دارند، قطعاً اثرات جرم‌انگاری رفتارها و حمایت از بزهدیدگان در حوزه قانون‌گذاری و به دنبال آن دادرسی‌ها و اجرای احکام کیفری کارآمد، خودنمایی خواهد کرد. درست همان چیزی که هدف غایی این نوشتار است.

## منابع

### الف - فارسی

۱. آشوری، محمد؛ *آیین دادرسی کیفری*، جلد اول، انتشارات سمت، ۱۳۸۰.
۲. \_\_\_\_\_: *عدالت کیفری*، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۶.
۳. اسلیتر، دن؛ تونکس، فرن؛ *جامعه بازار (بازار و نظریه‌های اجتماعی مدرن)*، ترجمه حسین قاضیان، نشر نی، تهران، ۱۳۸۶.
۴. بابایی، ایرج؛ *مبانی نظری رویکرد تحلیل اقتصادی حقوق*، فصلنامه سیاست و حقوق، ۱۳۸۶، شماره ۹.
۵. بادینی، حسن؛ *مبانی فلسفی نگرش اقتصادی به حقوق*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۲، شماره ۶۲.
۶. خانعلی پور و اجارگاه، سکینه؛ *پیشگیری فنی از جرم*، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۷. رایجیان اصلی، مهرداد؛ *بزهدیده شناسی حمایتی*، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۸. کاویانی، کورش؛ *درآمدی بر تحلیل اقتصادی حقوق*، فصلنامه سیاست و حقوق، پاییز ۱۳۸۶، شماره ۹.
۹. وکس، ریموند؛ *فلسفه حقوق مختصر و مفید*، ترجمه دکتر باقر انصاری، مسلم آقایی طوق، انتشارات جاودانه، ۱۳۸۹.

ب- لاتین

10. Anderson (A); 1999, **The Aggregate Burden of Crime**, Journal of Law and Economics, Vol. 42, No. 2. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=147915>
11. Becker (G); 1968, **Crime and Punishment: An Economic Approach**, Journal of Political Economy.
12. Brand (S) & Price (R); 2000, **The Economic and Social Costs of crime**, Home Office Research Study n. 217, London: Home Office.
13. Cohen (M); 2005, **The Costs of Crime and Justice**, Routledge.
14. Cohen (M) & Bowles (R); 2010, **Estimating Costs of Crime**, at : Handbook of Quantitative Criminology, by: Alex R. Piquero & David Weisburd, Springer.
15. Cohen (M); 2000, **Measuring the Costs and Benefits of Crime and Justice**, CRIMINAL JUSTICE, VOLUME4. [www.ncjrs.gov/criminal\\_justice2000/vol\\_4/04f.pdf](http://www.ncjrs.gov/criminal_justice2000/vol_4/04f.pdf)
16. Cohen (M); 2007, **The Effect of Crime on Life Satisfaction**, Vanderbilt University and University of York (UK).<http://ssrn.com/abstract=1091542>.
17. Cooter (R) & Ulen (T); 2003, **Law And Economics**, Addison Wesley Longman U.S.
18. Czabanski (J), 2008, **Estimates of Cost of Crime History, Methodologies, and Implications**, Springer.
19. Detotto (C) & Vannini (M); 2010, **Counting the cost of crime in Italy**, CUEC.
20. Dutta (S); 2006, **Introductory Economics micro and macro**, new age international (p) limited, publishers.
21. Kilbourn Roman (J); 2009, **What Is The Price Of Crime? New Estimates Of The Cost Of Criminal Victimization**, Dissertation submitted to the Faculty of the Graduate School of the University of Maryland, College Park, in partial fulfillment of the requirements for the degree of Ph.D. in Policy Studies.
22. McCarthy (B) & Cohen (L); 2003, **Economic crime: theory**, Encyclopedia of Crime And Justice, Second Edition, Macmillan Reference USA.
23. Miceli (T); 2008, **The Economic Approach to Law**, Routledge.